



# کودکان کارگر در جهان

قسمت دوم

مسأله کار کودکان از دیرباز معضلی اجتماعی در جهان، بویژه در کشورهای جهان سوم بوده است. از آغاز تأسیس سازمان بین‌المللی کار این موضوع همواره مورد توجه این سازمان قرار گرفته و تلاش فراوانی به عمل آمده است تا با تعیین استانداردهای بین‌المللی در این زمینه، گامهای مؤثری در جهت انسانی ساختن محیط و شرایط کار کودکان برداشته شود. اگر چه گامهای نخستین بی‌اثر نبوده است لیکن نمی‌توان انتظار داشت که این معضل جهانی با تعیین ضوابط بین‌المللی و پذیرش آن از جانب دولتها به سهولت حل گردد. با وجود اینکه در قوانین کار همه کشورهای دنیا کم یا بیش مقررات حمایتی در این زمینه گنجاینده شده و دولتها کوشش بسیاری برای اجرای این مقررات به عمل می‌آورند، معهذکار کودکان هنوز یکی از مصیبت‌بارترین مسائل قرن حاضر است. واقعیت این است که ریشه اصلی بهره‌کشی از کار کودکان را می‌بایست در عوامل مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جستجو کرد. در این بخش در پی مقاله گذشته، ضمن بیان دو مورد دیگر از اقدامات پیشنهاد شده در زمینه حذف کار کودکان، نمونه‌هایی از برنامه‌های به اجرا درآمده در کشورهای هند، برزیل و هنگ‌کنگ در این خصوص تقدیم خوانندگان عزیز می‌شود.

## حمایت از اقدامی مشترک در زمینه کار کودکان

رمز موفقیت برنامه‌های توسعه مشترک، دخالت دادن نظرات و ابتکارات گروه‌های مختلف است. اما برای رسیدگی به کار کودکان بهتر است از خود کودکان شروع کرد.

کشور برزیل که با دشوارترین مسائل مربوط به کار کودکان مواجه است. جالب‌ترین طرح‌های مقابله با آنها را نیز در اختیار دارد اما بخش عمده ابتکارات و اقدامات از جانب گروه‌های غیردولتی و اجتماعی صورت می‌گیرد. جنبش ملی پسران و دختران خیابانگرد در اوایل سالهای دهه هشتاد توسط گروه‌های مردمی خود جوش ایجاد شد. این جنبش در نظر دارد قبل از هر چیزی از حقوق کودکان دفاع و آنها را به "آموزگاران خیابانی" تبدیل نماید. به این ترتیب دولت هرگاه از تصویب قوانین جدید درباره کار کودکان و نوجوانان صحبت کرده کودکان شخصاً با ارائه دلایلی نزد دستگاه قانونگذاری به دفاع از حقوق خود پرداخته‌اند. به همین ترتیب در اکوادور، برنامه کارگران معادن که توسط مؤسسه ملی کودک و خانواده سازماندهی شده از سازمانهای غیردولتی مسؤل رسیدگی به کار کودکان و نیز بهداشت و تغذیه آنها حمایت می‌کند و با کمک آموزگاران خیابانی با کودکان ارتباط برقرار می‌سازد.

### نظارت مستمر بر محیط‌های کاری خطرناک برای کودکان

هدف درازمدت باید حذف کامل کار کودکان باشد اما اولویت‌های مهمتری نیز در این زمینه وجود دارد. کودکان را می‌توان از محیط‌های کاری خطرناک از جمله کارخانه‌های شیشه‌گری، کارگاه‌های ساختمانی و معادن ذغال سنگ نجات داد زیرا در این زمینه‌ها نه تجربه کاری دارند و نه توانایی و رشد جسمانی لازم برای انجام چنین کارهایی بدترین محل‌های کاری برای کودکان، محل‌های تخلیه زباله است. در سراسر دنیا کودکان بیشتر روزها در این محل‌ها در جستجوی پس مانده‌ها و وسایل قراضه هستند. مشهورترین این محل‌ها شاید محله "اسموکی ماتین" در حومه شهر مانیل (فیلیپین) باشد که از نظر بهره‌کشی از نیروی کار کودکان شهرت جهانی دارد. در این منطقه صدها کودک در حالی که در یک دست کیسه و در دست دیگر میله‌ای دارند، از تل زباله‌هایی که ارتفاع آنها به ۲۰۰ متر می‌رسد، بالا می‌روند و با هجوم به طرف انبوه زباله‌ها در جستجوی اشیایی هستند که برای آنها

بسیار ارزشمند است.

تاکنون تلاش‌هایی از سوی سازمانهای دولتی، کلیساها و گروه‌های اجتماعی محلی برای هدایت کودکان به مسیری جدید، صورت گرفته است. سازمان بین‌المللی کار نیز در سال ۱۹۸۹ با همکاری اداره کل اشتغال فیلیپین و با کمک مالی دولت هلند، طرحی آزمایشی را برای استفاده هرچه بهتر از این تلاشها، به کار گرفت.

هدف فوری طرح مذکور حمایت از کودکان کارگر بود. تاکنون این حمایتها به صورت تأسیس یک مرکز پذیرایی، تأمین آب آشامیدنی، خوراک رایگان، ایجاد محل بازی و محل استراحت بوده است. هدف بعدی طرح، کمک به کودکان در ترک محل تخلیه زباله می‌باشد. کودکان با استقرار در آپارتمانهای اجاره‌ای به نام "سایانا" که در مجاورت محل تخلیه زباله قرار دارد، می‌توانند خارج از چارچوب نظام تحصیلی درس بخوانند و به کارهای مزدبگیری بپردازند.

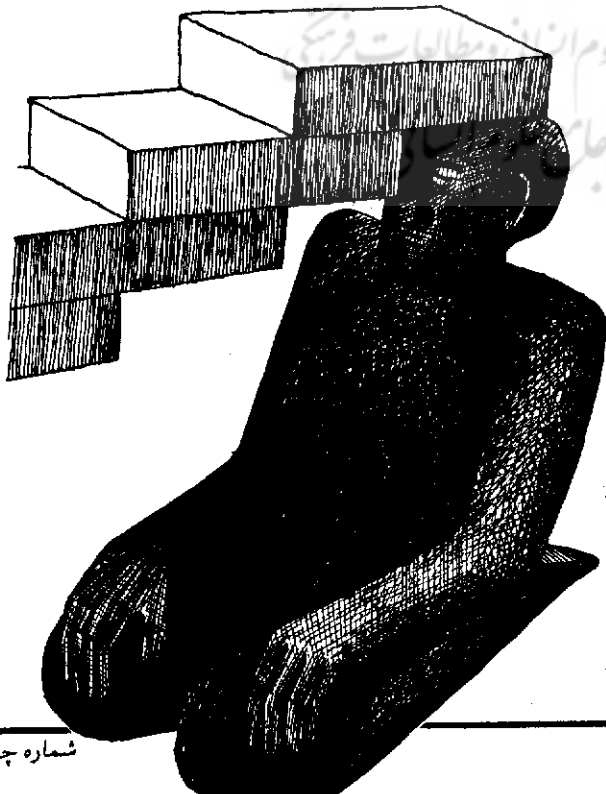
با این همه، هدف از طرح مذکور، ایجاد مؤسسات جدید نیست، بلکه استفاده کامل از نهادهای موجود می‌باشد. گروه مجری طرح متشکل از افرادی است که مسائل را خوب درک می‌کنند و برای کار در شرایط سخت و به مدت طولانی آمادگی دارند.

این طرح به اندازه‌ای موفقیت‌آمیز بود که در ماه مارس ۱۹۹۱ برای سه سال دیگر تمدید شد. همکاری بین دولت و سازمانهای غیردولتی در این زمینه بسیار مؤثر بوده است. با توجه به اینکه در بیشتر کشورها، انجام کارهای خطرناک برای کودکان ممنوعیت قانونی دارد، اما دولت‌ها

نمی‌دانند چگونه به کودکان کمک کنند. انتظار می‌رود که این تجربه، نمونه‌ای باشد برای نشان دادن اینکه می‌توان از کار کردن کودکان در محیط‌های خطرناک جلوگیری کرد.

کار کودکان عمیقاً ریشه در فقر و درماندگی جامعه دارد. بنابراین حذف آن نیازمند اقدامات وسیع قانونی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. تحقق چنین امری غیرممکن نیست، برای نیل به آن اطلاعات، تحقیقات و تجزیه و تحلیل‌های بسیاری لازم است. ضمناً اجتماعات، کارفرمایان، اتحادیه‌ها، دولت‌ها و سازمانهای بین‌المللی نیز باید نسبت به این مسئله اقدام کنند. برخی از دولت‌ها از جمله دولت برزیل و دولت هند برنامه‌های ملی را در این زمینه در دست اجرا دارند. رقم بالای کشورهای ملحق شده به مقاله نامه (شماره ۱۳۸) درخصوص حداقل سن ورود به اشتغال، مصوب سال ۱۹۷۳ و نیز رقم بالای کشورهایی که به کنوانسیونهای سازمان ملل درباره حقوق کودکان پیوسته‌اند، گویای اولیوی است که به این مسئله داده شده است.

اینک زمان آن فرا رسیده که جامعه جهانی با تصویب قوانین در زمینه کار کودکان و نظارت دقیق بر اجرای آنها، با ارائه مفهومی واقعی و گویا از آموزش برای کودکان کارگر، و با کمک به خانواده‌های مستمند جهت اعطای دوران کودکی درخشان به کودکانشان و آماده سازی آنها برای زندگی فعال، سالم و مؤلد، به تعهدات خود عمل نماید.



## برنامه‌هایی درباره کار کودکان

● هند

یکی از جالب‌ترین و در حقیقت امیدبخش‌ترین پیشرفت‌ها در زمینه کار کودکان در سالهای اخیر، رشد ابتکارات در سطح محلی و افزایش پروژه‌ها در بخش عمومی بوده است که همه اینها بر کار کودکان کارگر متمرکز شده‌اند. این برنامه‌ها که در اواخر دهه ۱۹۷۰ به اجرا گذاشته شده، جهت‌گیریهایی متعددی دارد. نقش دولتها در این خصوص متفاوت است، هندوستان با وجود اینکه دارای تاریخ نسبتاً طولانی در زمینه مشارکت سازمانهای غیردولتی فعال و نیرومند در تحولات اجتماعی است، دولت نقش هدایت‌کننده‌ای را در آماده‌سازی و حمایت از سازمانهای غیردولتی ایفا می‌کند و خود نیز برنامه‌هایی را در این خصوص ارائه می‌دهد. در فیلیپین نیز دولت بطور فزاینده‌ای در انجام برنامه‌های عملی و حمایت از برنامه‌هایی که توسط سازمانهای غیردولتی انجام می‌شود، مشارکت می‌کند. برعکس در کشورهایی مانند پرو و کنیا تا اندازه‌ای وضع فرق می‌کند. در هر دو کشور مداخله دولت در موضوع کار کودکان اساساً محدود به صدور دستورالعمل از سوی بخش رسمی است.

شاید تاکنون مهمترین و جامع‌ترین کوشش‌ها در زمینه کار کودکان در کشورهای هندوستان و برزیل صورت گرفته باشد. در هندوستان اولین اقدام دولت در این زمینه عبارت بود از بررسی موانع قانونی که سبب کند شدن اقدامات می‌گردد. این امر منجر به وضع قانون کار کودکان در سال ۱۹۸۶ گردید. در این قانون اشتغال کودکان کمتر از ۱۴ سال در مشاغل و فعالیتهایی که عموماً مخاطره‌آمیز شناخته می‌شوند مانند: حمل و نقل جاده‌ای و راه‌آهن، سیگارسازی، قالببافی، چاپ، رنگرزی و پارچه‌بافی، تولید لاک، کبریت، سیمان، مواد منفجره، دباغی، سنگبری و... ممنوع شده است. در عین حال بر شرایط کار کودکان شاغل در فعالیتهای مجاز از جمله نقش اقدامات ایمنی و بهداشتی تأکید شده و تشکیل کمیته مشورتی فنی در زمینه کار کودکان به منظور بررسی و آگاهی از مشاغل و فعالیتهای خطرناک پیش‌بینی شده است. مسؤلیت تنظیم خط مشی در این زمینه هرچند که اجرای آن با همکاری یا تحت حمایت حکومت محلی باشد، به عهده وزارت کار است. همچنین یک هیأت مشورتی مرکزی کار کودکان وجود دارد که در موضوعات کلی

خط مشی با حکومت مرکزی همکاری می‌نماید. هیأت مزبور از نمایندگان دولت، اتحادیه‌های کارگری، کارفرمایان و یا سازمانهای داوطلب مربوط به کودکان کارگر تشکیل شده است.

مسلماً قانونگذاری نمی‌تواند برای پایان دادن به کار کودکان کافی باشد، بنابراین تنظیم یک سیاست ملی در کنار اقدامات قانونی جمعیت بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی مربوط به کار کودکان و ایجاد چارچوبی برای

## در کشور هند مسؤلیت تنظیم خط‌مشی در زمینه کار کودکان هرچند که اجرای آن با همکاری یا تحت حمایت حکومت محلی باشد، به عهده وزارت کار است.

مالی طرح، سطح اقتصاد خانواده‌های دارای کودکان شاغل را ارتقاء می‌دهد.

با توجه به اینکه اکثر کودکان شاغل در صنعت کبریت‌سازی یا ترک تحصیل کرده یا هرگز به مدرسه نرفته‌اند، بنابراین طرح آموزش و پرورش غیررسمی قابل استفاده برای این کودکان تهیه خواهد شد و در این مرحله هدف اساسی انتقال مهارت در سطح آموزش و پرورش در مرحله ابتدایی است. همچنین یک قسمت اساسی از آموزش حرفه‌ای به منظور آماده نمودن کودکان با مهارتهایی است که آنها را برای جایگزینی شغل با مزد بیشتر و رضایت بیشتر و خطر کمتر آماده می‌سازد.

برای این امر استفاده از سرمایه‌های موجود، وزارت آموزش و پرورش به حکومت ایالتی پیشنهاد شده است. از آنجا که باید تعداد بسیار زیادی از کلاسهای آموزش و پرورش غیررسمی ایجاد شوند، برای دولت امکان ندارد که بتواند آنها را سازمان دهد، از این رو پیشنهاد شده تا وجوه لازم توسط انجمن ثبت شده در سطح طرح جمع‌آوری شود و برنامه‌ها جهت آموزش و پرورش غیررسمی سازماندهی شوند.

برای تأمین مراقبت بهداشتی کافی جهت کودکان شاغل در این صنعت نیز شرکت تعاونی تأمین مستخدمین ایالتی یک داروخانه رایگان بسیار با تجهیزات کامل را در منطقه تأسیس خواهد نمود. به منظور دسترسی به پوشش بهداشتی که هدفش مردم است، کارگران خردسالی که از خدمات استفاده می‌کنند باید از پرداخت حق‌السهم مالی معاف باشند. پروژه شامل تخصیص بودجه اختصاصی جهت تدارک تغذیه تکمیلی برای کودکان شاغل

برنامه‌ریزی صورت گرفته است. در این سیاست مواردی از قبیل: آموزش و پرورش غیررسمی، بهداشت، تغذیه، پیشرفت همه جانبه کودکان، افزایش اشتغال و اجرای طرحهای ایجاد درآمد در مناطق و بخشهایی است که کار کودکان در آنجا زمینه گسترده‌ای دارد، پیش‌بینی شده است از دیگر ویژگیهای مهم این طرح تسریع در اجرای قانون ممنوعیت کار کودکان، پوشش دادن خانواده‌های کودکان کارگر در طرحهای اشتغال‌زا و درآمدزا، توسعه آموزشهای رسمی و غیررسمی و بالا بردن میزان ثبت نام کودکان در مدارس با استفاده از وسائل مختلف تشویقی از قبیل پرداخت مقرری به کودکان می‌باشد.

### برنامه‌های دولتی

در محدوده چارچوب خط مشی ملی کار کودکان، حکومت مرکزی اقدام به اجرای دو طرح آزمایشی در مراکز عمده کار کودکان نموده است: یکی در صنعت کبریت‌سازی «سیواکاسی» در ایالت «تامیل نادو» و دیگری در صنعت قالببافی «وارانازی» در ایالت «اوتارپرادش».

### طرح «سی واکاسی»

گروه اصلی مورد نظر در این طرح ۴۵ هزار نفر کارگر خردسال در صنعت کبریت‌سازی و وسائل آتش‌بازی در «سیواکاسی» در ایالت «تامیل نادو» را شامل می‌شود. هدف نهایی این طرح، حذف کار کودکان در صنعت کبریت‌سازی و وسایل آتش‌بازی است. اهداف جانبی این برنامه شامل ایجاد اشتغال، آموزش و پرورش غیررسمی، فراهم نمودن مراقبتهای بهداشتی،

می‌باشد. این کار نه فقط برای مبارزه با مشکل سوءتغذیه عادی در بین کودکان بلکه جهت تشویق آنان برای بهره‌گیری از خدمات تهیه شده در زمینه آموزش و پرورش غیررسمی و آموزش حرفه‌ای می‌باشد.

## طرح «وارانازی»

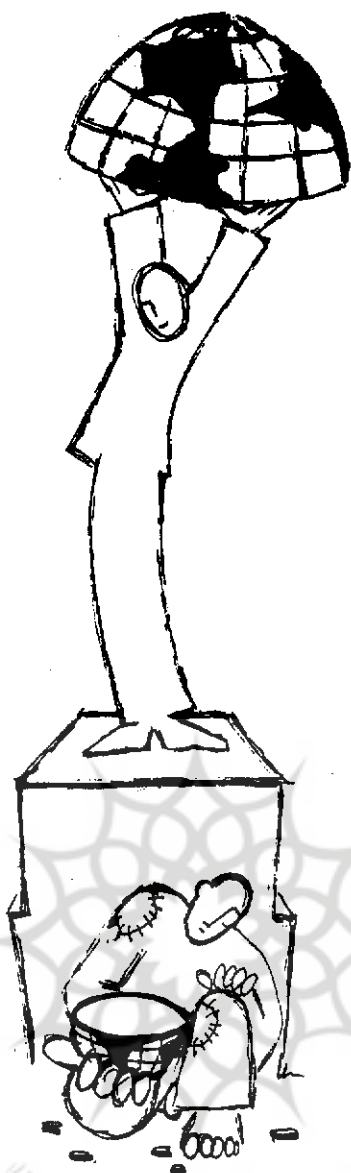
این منطقه نیز یکی از مناطق تمرکز نیروی کار کودکان در ایالت «اوتارپرادش» مهمترین منطقه قالیبافی در هندوستان است. در این طرح نیز مانند طرح «سی‌واکاسی» جمعیت اصلی موردنظر کودکان شاغل کمتر از ۱۴ سال و خانواده‌هایشان خواهند بود. هدف بلندمدت در این طرح حذف کار کودکان در صنعتی قالیبافی و هدف کوتاه مدت مبارزه با استثمار و تضمین تعالی جسمی و روحی کارگران خردسال و رسیدگی به امور مربوط به بهداشت، سواد، کیفیت زندگی آنها و ایجاد درآمد برای خانواده‌هایشان خواهد بود.

در حال حاضر تعداد مراکز آموزش و پرورش غیررسمی اندک است، این مراکز اصولاً افزایش خواهد یافت و با نیازهای سوادآموزی و آموزش حرفه‌ای کارگران خردسال منطبق خواهد شد. استفاده از سرمایه‌های موجود وزارت آموزش و پرورش و حکومت ایالتی برای این منظور پیشنهاد شده است.

## برنامه‌های غیردولتی

یکی از این برنامه‌ها مربوط است به «مؤسسه هندی کارگران روستایی». این مؤسسه یک سازمان غیردولتی است که هدفش بازپروری کودکان ممنوع از اشتغال در بازار کار از راه آماده نمودن آنها با آموزش و پرورش پایه، تغذیه، مراقبت بهداشتی و آموزش در تعدادی از مهارت‌ها می‌باشد.

برنامه مؤسسه ۶۰ الی ۸۰ نفر از کودکان را دربر می‌گیرد و هزینه سالانه آن ۲۱۴ هزار روپیه هندی است که ۷۵ درصد آن توسط حکومت مرکزی تأمین می‌شود. هدف این طرح ممانعت از جذب کارگران در مشاغلی است که جنبه بهره‌کشی از کار کودکان را دارد و جای دادن آنها در مراکز مخصوص است که برای تعلیم و تربیت، آموزش و رفاه آنها ایجاد شده است. در عین حال مقرری نقدی نیز برای غرامت به ویژه به منظور جبران خسارت درآمد احتمالی در مشاغل ممنوعه به آنها پرداخت می‌شود.



هشت دهکده در داخل شعاع ۳ کیلومتری مؤسسه گسترش دارد، کل جمعیت این دهکده‌ها تقریباً ۲۵ هزار نفر می‌باشد که در آنها حدود ۴۵۰ نفر کارگران خردسال در سنگبری، استخراج معدن و احداث بنادر در بین سایر حرف کار می‌کنند. مؤسسه می‌کوشد که حدود ۱۵ درصد این جمعیت را که تمام آنها ترک تحصیل کرده و بین ۷ تا ۱۳ سال سن دارند، تحت پوشش قرار دهد.

از حدود ۱۰۰ نفر یا همین حدود کودکان ثبت نام شده در برنامه، حدود ۶۰ نفر بطور منظم حضور می‌یابند، معمولاً دو سال طول می‌کشد تا شاگردان به کلاس چهارم برسند ولی این کودکان در عرض ۱/۵ سال به این مرحله می‌رسند.

## ● برزیل

تجربیات برزیل نیز نمونه‌ای از روش نوینی را که مبتنی بر حمایت و همکاری‌های گروهی است برای مسائل و نیازهای کودکان شاغل بویژه کودکان خیابانگرد ارائه می‌کند. این کشور که سریع‌ترین میزان رشد صنعتی در بین کشورهای در حال صنعتی شدن جهان را داراست، از مشکل شدید و حاد میلیون‌ها کودکی که در خیابان‌ها کار و زندگی می‌کنند، رنج می‌برد. سالهای متمادی تنها گروهی که سعی در عنوان نمودن نیازهای کودکان خیابانگرد را داشتند، سازمانهای غیردولتی و عمدتاً مؤسسات خیریه و مذهبی بودند. کودکان خیابانگرد بعنوان مجرمین جوان تلقی شده و مسؤولان مشکل آنان را موضوعی می‌دانند که با سلامت جامعه در ارتباط است. از این رو آنها در فواصل معین توسط پلیس جمع‌آوری شده و در اختیار مؤسسات تأدیبی یا حمایتی قرار می‌گیرند.

دولت این کشور تدریجاً به ضرورت ایجاد تغییرات در سیاست‌گذارهای مربوط به کار کودکان پی‌برد، از این رو برنامه عملی در این زمینه را براساس دو استراتژی پیشنهاد نمود که این کار بدون تردید انحراف اساسی از روش سنتی بود. دولت ابتدا به طور دقیق آنچه را که ناهماهنگی در سیاست‌گذاری می‌نامید، ایجاد نمود و در داخل بخش عمومی عامل متعادل کننده‌ای را به منظور مقابله و تغییر برنامه‌ها و سیاست‌های جاری بوجود آورد. این روش ناشی از پذیرش نوعی مقاومت در برابر ایجاد تحول و ضرورت مقرر داشتن فوریت‌ها برای ایجاد تغییرات در داخل دولت بود. دومین استراتژی کاهش دیوانسالاری در ارتباط با مسائل کودکان

برای کودکان، غذای نيمروز، آب آشامیدنی سالم و پوشاک فراهم می‌شود و بطور مرتب تحت معاینه پزشکی قرار می‌گیرند. به آنها برای توسعه توانائیهایشان کمک می‌شود و برای آمادگی جهت کار، مهارت‌هایی را نیز کسب می‌کنند و در کارهای مفید اجتماعی، آموزشی و سودمند که نه سخت هستند و نه زیانبار شاغل می‌شوند. مؤسسه مذکور کودکان را در حرفه‌هایی مسانند باغبانی، جنگلبانی، دامداری، ساختمان‌سازی، چرم‌کاری، گچ‌بری، سبذسازی، رنگرزی، نقاشی، خیاطی، فلاپدوزی، پارچه‌بافی و... آموزش می‌دهد. همچنین امکان سوادآموزی پایه‌ای، آموزش و پرورش غیررسمی و امکانات تفریحی مانند موزیک، تربیت بدنی، و ورزش را برای آنها مهیا می‌نماید. تماس مرتب با والدین یا سرپرستان کودکان حفظ می‌شود. این طرح در

## یکی از اقدامات دولت برزیل در زمینه کار کودکان، کاهش دیوانسالاری مرتبط با مسایل کار کودکان خیابانگرد بود.

خیابانگرد بود، بطوری که این امر بجای اینکه تنها مسأله دولت باشد، مورد توجه عموم نیز قرار گیرد. هدف این استراتژی که مبتنی بر تعمیم توجه به کودکان خیابانگرد است باید ایجاد زیربنای سازمانی قوی براساس ابتکارات محلی باشد که با قبول رهبری آن، دولت بتواند با دادن حمایت‌های فنی، مؤثر واقع شود. بنابراین دولت در زمینه تحول نیروی انسانی براساس برنامه‌های گروهی و ممانعت از پراکندگی آنها و از طریق تأمین آموزشهای حرفه‌ای، نمایندگان سازمانهای مختلفی را که در کار کودکان خیابانگرد مشارکت داشتند، مبادرت به سیاستگذاری در این باره نماید.

ضمناً این برنامه‌ها شامل حمایت از ایجاد کمیته‌های داوطلب و گسترش آن نیز می‌شود. این کمیته‌ها در برگیرنده برنامه‌های عملی و افراد علاقمند در دفاع از کودکان خیابانگرد است و در واقع تا سال ۱۹۸۶ در همه نواحی بزرگ شهری بوجود آمدند. بنابراین جامعه در تعیین ضرورتها، بسیج آموزگاران داوطلب و ارتقاء حمایتهای زیربنایی مشارکت می‌کند. حتی ممکن است به کودکان شاغل در مقام مقایسه، همانند مدارس ابتدایی یا بهتر از آن آموزش داده شود. در این کشور هدف از برنامه آموزش غیررسمی، مراقبتهای اولیه بهداشتی و افزایش درآمد خانواده‌هاست. از ویژگی جالب توجه این طرح استفاده از معلمین متأهل و کارگران ساکن در محل برای انجام مراقبتهای اولیه بهداشتی است. تشکیل مدرسه در خیابان برای کودکان خیابانگرد نمونه‌ای از این کوششهای هماهنگ کننده است. طرح مذکور در چادرهای نزدیک محل کار کودکان خیابانگرد، مدارس بسیاری را ایجاد کرده و خدمات فوق‌العاده مختلفی مانند مراقبت بهداشتی و تغذیه را ارائه می‌دهد.

### نمونه‌ای از برنامه‌های سازمان یافته

مرکز خردسالان، برنامه‌ای بود که تحت سرپرستی کلیسای کاتولیک در محل‌های زاغه‌نشینان عموماً برای جوانان، و نه فقط کودکان ولگرد اجرا می‌شد. اما ۸۰ درصد کودکانی که از خدمات این برنامه بهره‌مند می‌شدند، به هنگام ورود به این مؤسسه جزء کودکان ولگرد بودند. در این مؤسسه عقیده بر این

است که مزد دریافت می‌دارند. ابتکارات سازمانهای غیردولتی همچنین ثابت می‌کند که امکان افزایش درآمد کودکان وجود داشته و حتی می‌توان از طریق آموزش و سازماندهی، شرایط کار خطرناک آنان را برطرف ساخت. برنامه تغذیه نیز نه تنها مهم است بلکه می‌تواند وسیله پیشرفت سایر اهداف طرح مانند نام‌نویسی در مدارس شود. به هر جهت کشور برزیل درخصوص کودکان خیابانگرد به طور کلی بر بعضی اصول اساسی یا خطوط کلی که می‌تواند مناسب برنامه‌های کودکان شاغل باشد اشاره دارد:

- هدف ارائه خدمات به کودکان باید پیشبرد هماهنگ تحول اجتماعی، فکری و جسمی آنان باشد و برنامه‌های قابل اجرا بایستی به جای پرداختن به نیازهای اضطراری، زمینه رشد کودکان را در مفهومی گسترده فراهم سازند.
- مقررات در زمینه حمایت از کودکان کارگر سلاح مؤثری برای مبارزه با حاشیه‌نشینی و تهیدستی در بین کودکان و وابستگی آنان به

بود که اگر جوانان و کودکان خانواده‌های بسیار فقیر در محلی حفاظت شده مشغول به کار شوند، می‌توانند به ثبات موقعیت زندگی خود و خانواده خود کمک نمایند، از این رو حل مشکل خانواده در بلندمدت بیش از پیش امکان‌پذیر خواهد بود.

مرکز خردسالان به عنوان یک واحد بخش خصوصی غیرانتفاعی در برنامه‌ای با هدف ایجاد اشتغال مناسب برای کودکان عمل کرده و خدماتی مانند پیک‌رسانی، بسته‌بندی، ترابری و انواع خدمات تجاری را انجام می‌داد. این مرکز قراردادی بین کودکان و کارفرمایان آنها به وجود آورده که طبق آن کارگران خردسال برای کارهای جدید آموزش می‌دیدند و سپس در مؤسسات تحت قرارداد برنامه که بیش از ۲۰۰ شرکت بودند، مشغول به کار می‌شدند. این واحد به عنوان کارفرما به شرکت طرف قرارداد مبلغی

## تشکیل مدارس خیابانی برای کودکان خیابانگرد نمونه‌ای از تلاشهای دولت برزیل جهت آموزش کودکان است.

خیابانها جهت تأمین معیشت است. کار می‌تواند در پیشرفت و تحول زندگی کودک و آموزش وی وسیله تجربی مفید و آموزنده باشد. با توجه به اینکه کودکان ناچارند به دلیل نیاز اقتصادی کار کنند، مهم است که به این میل و نیاز توجه شود. گاهی این برنامه از طریق سازماندهی کودکان شاغل در تعاونیها، ارائه آموزش مهارتهای حرفه‌ای، تأمین اشتغال مناسب در کارخانه‌های واجد شرایط ایمنی و بهداشت اجرا می‌شود.

● تدریس باید هماهنگ با نیازهای آموزشی و مسائل علمی باشد که کودکان کارگر و فقیر با آن روبرو هستند. این امر مستلزم پیش‌بینی ساعات درس قابل انعطاف و مناسب با دوره تحصیلات است.

● سرانجام اینکه کودکان باید تشویق به احترام نهادن به خود شوید و در برنامه‌ریزیها و اجرای برنامه‌ها مشارکت داشته باشند. زیرا این امر نه تنها کیفیت و اجرای برنامه‌ها را بهبود می‌بخشد، بلکه به پیشرفت اعتماد به نفس در میان آنها کمک خواهد نمود.

برای مخارج و پرداخت حقوق کارگران خردسال می‌پرداخت. از آنجا که کودکان و نوجوانان به خوبی آموزش دیده و کارآمد بودند، کارفرمایان علاقمند بودند که مزدی بیش از حداقل دستمزد رایج در بازار کار به آنها بپردازند. این شرکتها بسیاری از کارگران خردسال را بعد از ۱۸ سالگی به اشتغال ثابت در می‌آوردند، فرصتی که برای کودکان خیابانگرد تقریباً دست نیافتنی است. حتی تعدادی از آنها به مرتبه مدیریت نیز می‌رسیدند.

تجربیات برزیل در خصوص کودکان خیابانگرد، حاکی از عملی بودن مشارکت جامعه در تعیین ضرورتها، بسیج آموزگاران داوطلب و ارتقاء حمایت‌های زیربنایی است. حتی ممکن است به کودکان در مقام مقایسه همانند مدارس ابتدایی یا بهتر از آن آموزش داده شود. برنامه‌های بخش غیردولتی، بویژه اگر در جهت تأمین خدمات مفید و خلاق باشد، ممکن است بتواند مجموعه‌ای از خدمات رفاهی ضروری را به طور مؤثر و با هزینه کم ارائه نماید. مهمترین دلیل این کار را باید استفاده زیاد این بخش از خدمات داوطلبان دانست در صورتی که برنامه‌های دولت تقریباً بطور کامل متکی به خدمات کارکنانی



## کار کودکان عمیقاً ریشه در فقر و درماندگی جامعه دارد بنابراین حذف آن نیازمند اقدامات وسیع قانونی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است.

چارچوب قانونی: ابزار اصلی حاکم بر کار کودکان در هنگ کنگ مقررات مربوط به اشتغال کودکان است که این امر تحت عنوان قانون اشتغال در قوانین هنگ کنگ گنجانیده شده است. هدف این قانون جلوگیری از اشتغالی است که مغایر با آموزش کودکان باشد. بنابراین در مقررات تصریح شده است که والدینی که مایلند فرزند ۱۳ ساله یا بزرگتر آنان در مؤسسات غیر صنعتی کار کنند، باید گواهی اشتغال به تحصیل یا مدارک مورد قبول کارفرما مبتنی بر اتمام دوره سه ساله دبیرستان را ارائه دهند. هر کودک در خلال ساعات درس نمی‌تواند بیش از ۲ ساعت و یا ۴ ساعت در طول سال تحصیلی به کار کردن پردازد.

اجرای سیاست کار از طریق بازرسیهای دقیق، منظم و مستمر انجام می‌شود. این وظایف به عهده اداره کار هنگ کنگ می‌باشد. این بخش با ۲۴۴ بازرس کار، اجرای مقررات اشتغال کودکان را همراه با سایر مقررات قانونی درباره نظارت ساعات کار زنان و افراد جوان به عهده دارد. بازرسیها در طول هفته در تمام مدت شبانه‌روز و در تمام محلهای کار و بخشهای اقتصادی انجام می‌گیرد. هر سال علاوه بر بازرسی معمولی یک رشته عملیات خاصی در جهت کشف استخدام کودکان به عمل می‌آید. سیاست آموزشی در هنگ کنگ عامل اصلی از بین بردن کار کودکان است. از سپتامبر ۱۹۷۱، آموزش ابتدایی در کلیه مدارس دولتی و تقریباً همه مدارس که از دولت کمک مالی دریافت می‌دارند، رایگان بوده است. در سال ۱۹۸۰ آموزش برای کلیه کودکان و نوجوانان زیر ۱۵ سال و حتی تا تکمیل دو سال آموزش دبیرستانی اجباری شد.

در گذشته دلیل اصلی کار کودکان کمک مالی به خانواده بود، به هر حال با بهبود مزایای نظام تأمین اجتماعی اشتغال کودکان به کار کاهش یافته است. برنامه کمکهای دولتی که براساس آزمون بعمل می‌آید به خانواده‌هایی که درآمدشان کمتر از سطح مشخصی باشد بصورت کمک نقدی پرداخت می‌شود. همچنین کمکهای اضافی دیگری مانند اجاره مسکن و هزینه‌های آموزشی جهت تأمین هزینه‌های اساسی پرداخت می‌شود. با توجه به این کمکها خانواده‌ها یک حداقل درآمد مطمئن دارند و بنابراین نیازی به اشتغال کودکانشان نخواهند داشت.

اشتغال کودکان در هنگ کنگ صرفاً از نقطه نظر قانونی یک مشکل اجرایی نیست. این امر ارتباط نزدیکی با یک رشته عوامل اقتصادی و اجتماعی و دلایل متعدد دیگری دارد. در این کشور اشتغال کودکان از دیدگاه‌های مختلف مهار شده و هم‌اکنون تحت نظارت کامل درآمده است. این مسأله دیگر به صورت استعمار شدید، پرداخت مزد کم یا شرایط کار نامطلوب مطرح نیست. اکنون مشکل کار کودکان بیشتر مربوط به دانش‌آموزانی است که در پی به دست آوردن پول توجیبی یا کسب آموزش حرفه‌ای در یک جامعه مرفه هستند. با تصمیم‌گیری و شدت عمل وزارت کار هنگ کنگ و اجرای سیاست بازرسی مداوم همراه با توسعه اقتصادی و اجتماعی در سطوح عمومی، اشتغال کودکان در این کشور دیگر بعنوان مشکل تلقی نخواهد شد.

### مشکلات مربوط به اجرای برنامه‌ها در زمینه کار کودکان

گر چه برنامه‌ها و طرحهایی که نمونه‌ای از آنها بیان شده، امکان بالقوه آنها را برای تأمین

خدمات اساسی و حمایت از کودکان کارگر نشان می‌دهد، اما محدودیتهایی نیز وجود دارد که اجرا و رشد برنامه‌ها را کند می‌سازد. بعضی از مشکلات از وضع قوانین ناشی می‌شود. برای مثال در پرو برنامه تأمین اشتغال حمایت شده برای کودکان شاغلی که با ترس از غیرقانونی بودن کارشان زندگی می‌کنند، وجود دارد. چون قانون خردسالان را از اشتغال به کارهایی که در محدوده سنی بزرگسالان است منع می‌کند. مشکلات به مراتب جدی‌تر، کمبود منابع مالی و مادی موجود در سازمانهای غیر دولتی می‌باشد. برنامه‌های دیگری هستند که به دلیل فقدان حمایت مالی لازم، فعالیت آنها اجباراً متوقف شده است و اگر بین دولت و سازمانهای غیردولتی همکاری بیشتری وجود می‌داشت این مشکلات قابل حل می‌بود.

مأخذ: نشریات سازمان بین‌المللی کار

1-Smokey Mountain